

آینده انتشارات دانشگاهها و برنامه های

از مسائل مهمی که بی شک در هنگام بازگشایی دانشگاهها در آینده ای نزدیک مطرح خواهد شد، مسأله انتشارات دانشگاهها و مجتمعهای دانشگاهی است. مؤسسات انتشارات دانشگاهها گرچه از هنگام تعطیل موقت دانشگاهها در تابستان پنجاه و نه تعطیل نشد و فعالیت آنها متوقف نگردید، مع هذا سیاستهای انتشاراتی آنها تابع برنامه های انتشاراتی ستاد انقلاب فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی شد، و اکنون برای دانشگاهها این سؤال مطرح است که بالاخره وظایف مؤسسات انتشاراتی و حدود اختیارات آنها و ارتباطشان با دانشگاههای مربوط از یک طرف و با وزارت علوم و آموزش عالی و ستاد انقلاب فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی از طرف دیگر، چه خواهد بود. پاسخ نهایی به این سؤال در نهایت امر منوط به تصمیماتی است که ستاد انقلاب فرهنگی و مسئولان دولتی و احتمال مجلس شورای اسلامی اتخاذ خواهند کرد ولیکن این امر مانع از این نیست که اولاً مسأله را مطرح و ثانیاً راه حلهای احتمالی آن را پیش بینی کنیم. بهتر است ابتدا نگاهی اجمالی به گذشته و وضع کنونی این مؤسسات بیافکنیم.

انتشارات دانشگاهی در گذشته و فعالیت آنها در دو سال اخیر

انتشارات، به معنای عام لفظ، یعنی تهیه مواد خواندنی برای دانشجو، چیزی است که تقریباً در همه دانشگاهها و مدارس عالی کشور وجود داشته است. البته انتشارات به معنای خاص لفظ، یعنی انتشار کتاب، اعم از درسی و کمک درسی و غیر درسی فقط در تعداد معدودی از دانشگاهها وجود داشته است. مجهزترین مؤسسه انتشارات دانشگاهی از آن دانشگاه تهران بوده که با چاپخانه بزرگ و امکانات فراوانی که داشته است از بدو تأسیس تاکنون قریب به دو هزار عنوان کتاب چاپ و منتشر کرده است. بسیاری از دانشگاههای دیگر نیز به فراخور حال خود مؤسساتی برای انتشار کتاب دائر کرده بودند، از آن جمله انتشارات دانشگاه ملی، دانشگاه

تربیت معلم، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه آزاد، و در شهرستانها دانشگاههای مشهد و شیراز و اهواز و اصفهان و تبریز. ناگفته نماند که مجموع انتشارات این دانشگاهها از حیث کمیّت به پای دانشگاه تهران نمی رسد. و باز این نکته را نیز یادآور شویم که گر چه همه دانشگاهها و مدارس عالی کوچک برای تکثیر جزوه های درسی مورد نیاز خود بالضروره چاپخانه یا دستگاه تکثیری دایر کرده بودند، بسیاری از آنها فاقد تجهیزات کافی برای انتشار کتاب بودند و از این رو برای رفع نقیصه در صدد بودند چاپخانه های خود را توسعه داده به چاپ کتاب نیز اهتمام ورزند.

با حدوث انقلاب اسلامی تغییراتی در دانشگاهها و به تبع در مؤسسات انتشاراتی آنها پدید آمد. از جمله این تغییرات در هیأت مدیره یا شورای انتشارات حاصل شد که مرکز تصمیم گیریهای مؤسسات مزبور بود. در این هیأتها از سال پنجاه و هشت تحولاتی رخ داد و اعضای آنها تغییر کردند، اما این امر موجب توقف فعالیتهای مؤسسات انتشاراتی نگشت. تا تابستان سال پنجاه و نه انتشارات دانشگاهی کما فی السابق به فعالیت خود ادامه می دادند، لکن پس از تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و اختیاراتی که شورای انقلاب اسلامی به آن تفویض کرد به تدریج فعالیت انتشارات دانشگاهها وارد مرحله جدیدی گردید.

نخستین دستورالعملی که ستاد برای عموم انتشارات دانشگاهها صادر کرد این بود که باید از انعقاد قرارداد جدید با مؤلفان، مترجمان و مصححان و از اقدام به چاپ کتابهای جدید خودداری کنند و تنها به اتمام کتابهای نیمه کاره مبادرت ورزند. بدین ترتیب ستاد انقلاب فرهنگی در واقع کار شوراها را انتشارات دانشگاهها را، که عملاً متوقف شده بود، رسماً نیز تعطیل اعلام کرد. علت صدور این بخشنامه همانا برنامه وسیعی بود که ستاد پس از چند ماه مطالعه و بررسی در مورد کتابهای دانشگاهی در نظر گرفته و متعاقب آن مقدمات تأسیس مرکز نشر دانشگاهی را فراهم نموده بود.

ی مرکز نشر دانشگاهی

دکتر نصراله پورجوادی

علل تأسیس مرکز نشر دانشگاهی و مراحل تکوین آن

اولین اقدام ستاد انقلاب فرهنگی در راه تحقق بخشیدن به برنامه‌های انتشارات دانشگاهی توزیع پرسشنامه‌هایی میان اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مدارس عالی کشور بود. پس از آن، برای اجرای برنامه‌های انتشاراتی خود، کمیته ترجمه و تألیف و تصحیح کتابهای دانشگاهی را به وجود آورد. در مورد کم و کیف تأسیس این کمیته و فعالیت‌های آن به اندازه کافی در شماره‌های سال اول نشر دانش سخن گفته شده است. در اینجا اجمالاً یادآور می‌شویم که این کمیته برای بررسی پیشنهادهای استادان در هر رشته اقدام به تشکیل گروه تخصصی کرد که افراد آن را اعضای هیأت علمی ذیصلاح و بعضاً دانشجویان علاقمند و متعهد تشکیل می‌دادند. در این گروهها در ظرف مدت چهار ماه همه پرسشنامه‌ها بررسی شد و به بیش از سه هزار نفر که در مرحله اول واجد شرایط تشخیص داده شده بودند طی احکامی که از طریق دفاتر جهاد دانشگاهی هر دانشگاه یا مجتمع ابلاغ می‌شد ترجمه یا تألیف کتاب یا کتابهایی واگذار گردید. این کمیته پس از مدتی با گسترش فعالیت‌هایش به «مرکز نشر دانشگاهی» تغییر نام یافت.

هر نویسنده یا مترجم هنگامی که قلم به روی کاغذ می‌آورد کتاب چاپ شده خود را در پشت ویتترین کتابفروشی تصور می‌کند. شورای عالی مرکز نشر دانشگاهی که با حضور اعضای ستاد تشکیل می‌شد به این نکته از همان ابتدا واقف بود و لذا برای چاپ و نشر بیش از دو هزار عنوان کتاب که تهیه آنها را به استادان دانشگاهها واگذار کرده بود به چاره‌اندیشی افتاد. آماده شدن این همه کتاب گر چه خود محتاج به مدتی وقت بود، لیکن مقدمات کار می‌بایست از قبل آماده شود. بدیهی است بزرگترین پشتوانه‌ای که برای چاپ و نشر کتابها در اختیار ستاد بود مؤسسات انتشاراتی دانشگاهها و چاپخانه‌های آنها بود و به همین علت بود که ستاد طی بخشنامه‌ای خطاب به کلیه مؤسسات انتشاراتی دانشگاهها از آنها

خواست که بی اجازه اقدام به چاپ کتاب جدیدی نکنند. البته چون کمیته ترجمه و تألیف هنوز کتابی آماده چاپ نداشت، همانطور که اشاره شد برای جلوگیری از تعطیل چاپخانه‌ها به آنان اجازه داد تا کارهای نیمه کاره خود را تمام کنند.

در بخشنامه‌ای که ستاد به منظور جلوگیری از چاپ کتاب جدید توسط انتشارات دانشگاهها صادر کرد حکمت دیگری نیز نهفته بود. از آنجا که رقم بزرگی از کتابهای دانشگاهی در دست تهیه بود، جلوگیری از دوباره کاری و تفرقه ایجاب می‌کرد که دانشگاهها بدون اطلاع مرکز نشر دانشگاهی اقدام به چاپ کتاب جدید نکنند. البته قصد ستاد به هیچ وجه به تعطیل کشاندن فعالیت این انتشارات و چاپخانه‌های آنها نبود، کما این که انتشارات دانشگاهها صورت اسامی کتابهای آماده چاپ خود را برای گروههای تخصصی مرکز ارسال می‌کردند و مرکز نیز پس از بررسی و هماهنگ کردن آن کتابها با برنامه‌های خود نظر نهایی را به اطلاع شورای عالی مرکز نشر دانشگاهی می‌رساند. محض اطلاع، در اینجا یادآور می‌شویم که تاکنون تعداد زیادی از کتابهایی که مؤسسات انتشارات دانشگاهی برای چاپ و نشر آنها از مرکز نشر دانشگاهی اجازه خواسته‌اند تصویب شده و به مؤسسات مزبور ابلاغ شده است. در رأس همه این مؤسسات، انتشارات دانشگاه تهران بوده است که در مدت قریب به دو سال اجازه چاپ ۵۸ عنوان کتاب را از مرکز نشر دریافت کرده و تاکنون تعدادی از آنها را چاپ و منتشر کرده است، ولی به پاره‌ای از کتابها هم اجازه چاپ یا تجدید چاپ داده نشده است. این ممانعت گاه به دلیل ضعف علمی آن کتابها بوده و گاه نیز به دلیل این که کتاب یا کتابهای بهتر و مناسبتری توسط مرکز در دست تهیه بوده است.

همان طور که ملاحظه شد، سیاستی که شورای عالی مرکز نشر دانشگاهی در ستاد انقلاب فرهنگی در مقابل مؤسسات انتشاراتی دانشگاهها در مرحله اول اتخاذ کرد، توأم با حزم و احتیاط کامل بود. ستاد ناگزیر بود که فعالیت‌های انتشاراتی را در همه دانشگاهها با برنامه‌های انتشاراتی خود هماهنگ کند و از هرز رفتن نیروها و دوباره کاریها ممانعت به عمل آورد؛ اما این کار بایستی طوری صورت می‌گرفت که به انهدام کامل مؤسسات انتشاراتی مزبور و سلب استقلال آنها و ادغام آنها در یک مؤسسه واحد منجر نشود. بنابراین راهی که ستاد در پیش گرفت این بود که در عین اجرای برنامه‌های خود از طریق مرکز نشر، مؤسسات دانشگاهی را نیز حفظ کند، و حتی سعی کند کمبودهای آنها را هم به وسیله مرکز نشر جبران نماید. ولی در هر حال لازم بود که مؤسسات دانشگاهی تابع مرکز نشر باشند و هر یک از آنها بخشی از برنامه‌های وسیع مرکز را در چاپ کتابها عهده‌دار شود.

قسم چاپ کتابهای مرکز

بی شک مهمترین مسأله‌ای که هم اکنون مرکز نشر با آن روبروست مسأله ویرایش و تولید کتابهاست. با توجه به کمیت بالای کتابهایی که مرکز عهده دار چاپ آنهاست، و نظر به محدودیتهایی که از لحاظ امکانات ویرایش و تولید و چاپ، بخصوص لوازم و ادوات چاپ، در مملکت هست، مرکز ناگزیر بوده است برای پاسخگویی به نیازهای فوری دانشگاهها و روشهای خاصی را اتخاذ کند. اگر چه هدف عمده مرکز چاپ کتابهای منقح و بی غلط و آراسته و پیراسته علمی است، ولیکن محدودیتهایی که ذکر شد به وی اجازه نمی دهد برنامه خود را آن طور که شاید و باید اجرا کند. با بازگشایی دانشگاهها و نیاز مبرم آنها به کتاب، بی شک فشار زیادی بر مرکز وارد خواهد شد. برای پاسخگویی فوری به این نیازها گروههای تخصصی و مسئولان مرکز چاره ای جز این ندیده اند که کتابها را حتی المقدور در مؤسسات انتشارات دانشگاهی به صورتهای گوناگون تکثیر و چاپ کنند. از این رو کتابهایی که آماده می شود از نظر چاپ و تکثیر به چند دسته تقسیم شده است:

۱- کتابهای درسی عمومی و مراجع اصلی. منظور از این کتابها آن دسته از متونی است که بیشتر دانشجویان رشته های مختلف در دوره لیسانس باید از آنها استفاده کنند و گروههای برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی نیز استفاده از آنها را به دانشجویان توصیه کرده اند. این دسته از کتابها را مرکز با ویرایش کامل و به صورت منقح و حتی الامکان با رعایت کمال دقت چاپ و تکثیر خواهد کرد. کتابهای معارف عمومی نیز در این دسته قرار می گیرد.

۲- کتابهای درسی خاص و مراجع فرعی. این دسته از کتابها شامل متونی است که دانشجویان رشته های معین در تعداد معدود و بخصوص در سالهای آخر دوره لیسانس و دوره های پس از لیسانس از آنها استفاده می کنند. مرکز سعی می کند حتی الامکان با کیفیت خوبی آنها را ویرایش و چاپ کند. بدیهی است نمی توان انتظار داشت که کیفیت این کتابها از حیث دقت علمی و فنی به پایه کتابهای دسته اول برسد.

۳- کتابهای کمک درسی. شامل کتابهایی است که مستقیماً به عنوان کتابهای درسی از آنها استفاده نمی شود و لیکن برای مطالعات جنبی دانشجویان و بخصوص استادان که مایل اند از منابع مختلف استفاده کنند به صورت تایپ شده تکثیر خواهد شد تا لااقل هر یک از کتابخانه های دانشگاهها و دانشکده های ذریبط نسخه یا نسخه هایی از آن را برای مراجعه علاقمندان داشته باشد. در مورد کتابهای دسته دوم و سوم باید اضافه کرد که مرکز سعی خواهد کرد در چاپهای بعدی، در صورت نیاز، کیفیت آنها را

نیز بالا ببرد و از حیث دقتهای علمی و فنی به پایه کتابهای دسته اول برساند. با این شیوه، امید می رود که مرکز بتواند هر چه سریعتر پاسخگویی نیازهای دانشگاهها باشد. البته، تجربه ای که در هنگام بازگشایی دانشگاهها در مورد دانشجویان بیست و پنج واحدی پیش آمد نشان داد که حتی این برنامه ریزی نیز نمی تواند تمام نیازها را برآورده کند. بسیاری از دانشگاهها در اسفندماه سال گذشته از مرکز تقاضا کردند تا نسخه هایی از دستنوشتهای خام کتابهای ترجمه یا تألیف شده برای آنان ارسال شود تا بتوانند آنها را تکثیر کرده در اختیار دانشجویان خود قرار دهند. مرکز اگر چه درخواست این دانشگاهها را اجابت کرد، ولیکن بعداً متوجه شد که این نحوه از تکثیر بسیار نامطلوب است. از این رو، تصمیم گرفته شد تا کتابهایی را که در دست آماده سازی است با کیفیت بهتری تایپ کرده به منظور تکثیر برای دانشگاهها ارسال نماید. بدین ترتیب، امید می رود که کلیه نیازهای دانشگاهها در هنگام بازگشایی آنها به نحوی از انحاء برآورده شود تا مرکز نشر بتواند وظیفه سنگین خود را که همانا تأمین کتابها و جزوه های درسی است در سطح مملکت ایفا کند.

روی هم رفته، سعی مرکز نشر دانشگاهی بر این است که هیچ کتابی بدون ویرایش یا حداقل اعمال نظر متخصصان آن رشته چاپ نشود.

آینده انتشارات دانشگاهی

با توجه به برنامه های وسیعی که مرکز نشر دانشگاهی برای تأمین نیازهای گوناگون دانشگاهها در پیش دارد، اکنون این سؤال مطرح می شود که انتشارات دانشگاهها در قبال این برنامه ها چه سرنوشتی خواهد داشت، زیرا به نظر می رسد که اگر مرکز بتواند برنامه های خود را به نحو مطلوب اجرا کند دیگر برای فعالیت مؤسسات انتشاراتی هر یک از دانشگاهها جایی باقی نخواهد ماند. یعنی به نظر می رسد که مرکز نشر دانشگاهی همانند سازمان چاپ کتابهای درسی در وزارت آموزش و پرورش عمل خواهد کرد، یعنی سعی خواهد کرد همه کتابهای مورد نیاز را رأساً تهیه کند، و همان طور که کلیه دبستانها و دبیرستانهای کشور مکلف اند از کتابهای رسمی وزارت آموزش و پرورش استفاده کنند، دانشگاهها نیز در آینده مکلف باشند فقط کتابهای مرکز نشر دانشگاهی را تدریس کنند.

در پاسخ به این مسأله باید گفت که اگر چه وضعی که در دو سال گذشته برای دانشگاهها و مرکز نشر دانشگاهی پیش آمده است این وظیفه را به طور طبیعی به عهده مرکز نشر گذاشته است، لیکن سیاست کلی مرکز انحلال مؤسسات انتشاراتی دانشگاهها نبوده است.

به دلیل ضعف بنیه علمی و مسائل فنی و مالی و اداری در مؤسسات انتشاراتی دانشگاهها و برای جلوگیری از دوباره کاری و اتلاف نیروهای آنها، این مؤسسات و ادار شده اند که فعالیت خود را تابع مرکز نشر کنند. مرکز نشر مؤسسه ای است که با همکاری استادان کلیه دانشگاههای کشور و با کمک همان کسانی که فرضاً می توانستند شورای انتشارات دانشگاهها را تشکیل دهند و با تکیه بر تجهیزات موجود در دانشگاهها به وجود آمده و به کار خود ادامه می دهد. فوایدی هم که از مرکز عاید می شود اختصاص به یک یا چند دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی ندارد، بلکه فایده های آن عام است و ناظر به نیازهای کلیه دانشگاههاست.

اما ممکن است انتقاد کنند که مرکز هر قدر دامنه فعالیتهايش گسترش یابد باز گمان نمی رود که در آینده بتواند همه نیازهای علمی و فنی دانشگاهها را از حیث کتاب و جزوه برآورده کند. اصولاً میان دانشگاه و دبستان و دبیرستان فرق فاحشی وجود دارد. برنامه های درسی و علمی مدارس آموزش و پرورش در قالب برنامه های خاص و محدود و رسمی ریخته می شود و از این رو یک سازمان واحد می تواند به مقتضای آن برنامه ها عمل کند و مواد درسی را در یکجا آماده سازد. ولیکن دانشگاه مؤسسه ای است که نباید در قالب برنامه های خاص محدود باشد بلکه باید عرصه باز تفکر باشد، یعنی مجال تحقیق و نوآوری و فتح قلمروهای جدید و ناشناخته به آن داده شود و حاصل این تحقیقات و نوآوریها نیز بالمآل توسط مؤسسه چاپ و تکثیر آن دانشگاه عرضه شود.

و بالاخره، انتقاد دیگری که به طرح تمرکز انتشارات ممکن است وارد شود این است که این شیوه مختص رژیمهای توتالیتر است که سیاستی تک حزبی دارند و همه چیز تحت کنترل و مراقبت شدید یک جمعیت خاص با آراء مخصوص و محدود قرار دارد، و این با آزادیهایی که اسلام برای پیشرفت علم قائل شده است و تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی در گذشته گواه آن است منافات دارد. اسلام اگر چه مبتنی بر یک سلسله اعتقادات اصولی و الهی است که در نهایت بر وحی تکیه دارد، ولی مانع از پیشرفت علمی که با آن اعتقادات منافات نداشته باشد نیست. بنابر این، تحقیقات و نشر آنها در یک جامعه اسلامی، اگر چه باید تحت ضوابطی باشد، اما نباید در قید و بندهایی که جوامع مادی و رژیمهای توتالیتر به ملت خود و به اهل علم تحمیل می کنند محدود شود.

در اینجا لازم است یادآوری کنیم که اولاً غرض از تأسیس مرکز نشر دانشگاهی به هیچ وجه ممانعت از نشر تحقیقات و کند کردن آن و یا تمرکز مطلق در زمینه چاپ و نشر نبوده است، بلکه بر عکس، به منظور تسریع چاپ و نشر و بالا بردن کیفیت آن و توسعه تحقیقات و پیشرفت فعالیتهای علمی بوده است. وانگهی کاری که مرکز نشر می کند چیزی جز چاپ و نشر حاصل تحقیقات اساتید

نیست، منتهی تحت ضوابط و با معیارهای علمی ای که توسط گروههای مرکز، که عموماً متشکل از اساتید دانشگاههای سراسر کشوراند، تعیین شده است.

همچنین ستاد در نظر داشته است که امکانات موجود را به طور یکسان و عادلانه در سراسر کشور توزیع کند. هیچ دلیلی ندارد دانشگاهی که در یکی از شهرهای دور از مرکز است از امکاناتی که در اختیار دانشگاه تهران است محروم بماند. اگر دولت هزینه ای برای تهیه کتاب مصرف می کند باید نفع عام داشته باشد تا همه استادان و دانشجویان کشور از آن بهره مند شوند. این توزیع عادلانه فقط از طریق ایجاد یک مؤسسه مرکزی می تواند عملی شود. پس علی رغم سیاست ایجاد تمرکز در مورد انتشارات دانشگاهی، باید گفت که انتقادی که در مورد از بین بردن مؤسسات انتشاراتی دانشگاهها ذکر شد به مرکز وارد نیست و این مطلبی است که عمل مرکز در بیش از یک سال فعالیتش گواهی می دهد.

همان طور که ذکر شد تصمیماتی که ستاد انقلاب فرهنگی تاکنون اتخاذ کرده در جهت ایجاد هماهنگی میان این مؤسسات بوده است. ستاد نه تنها فعالیت انتشارات دانشگاهی را تعطیل نکرده، بلکه تاکنون سعی کرده است استقلال آنها را حفظ کند و حتی به میزان فعالیت آنها نیز بیافزاید. همراه بیش از یکسال فعالیت مرکز نشر، فعالیت مؤسسات انتشاراتی دانشگاه تهران، مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه صنعتی شریف و علم و صنعت ایران همچنان ادامه داشته و حتی در بعضی از موارد به میزان قابل توجهی بالا رفته است. بعضی از این مؤسسات نظیر دانشگاه صنعتی شریف و مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی و دانشگاه مشهد هر گاه از کمکهای علمی، فنی و مالی مرکز نشر برخوردار نمی شدند نمی توانستند به حیات فعلی خود ادامه دهند.

به هر تقدیر، مرکز نشر دانشگاهی در اجرای برنامه های خود نه تنها هیچ مؤسسه ای را که سابقاً وجود داشته منحل یا مدغم نکرده است بلکه به آنهایی که رو به تعطیلی می رفته است یاری کرده است. سیاست آینده مرکز هم، تا جایی که هم اکنون می توان پیش بینی کرد، این است که به میزان فعالیت این مؤسسات بیش از پیش بیافزاید و تا جایی که مقدور است به آنها کمک علمی و مالی بکند و پس از اجرای برنامه اصلی خود، یعنی چاپ و نشر و توزیع بیش از یک هزار جلد کتاب، استقلال انتشارات دانشگاهی را در حد معقول و مورد نیاز حفظ کند. این که حدود اختیارات این انتشارات در آینده چه خواهد بود منوط است از یک طرف به برنامه های فرهنگی و علمی ای که دولت و ستاد انقلاب فرهنگی تعیین خواهند کرد و از طرف دیگر به قابلیت های تحقیقاتی و آموزشی ای که هر دانشگاهی از خود نشان خواهد داد.